



نیمخ هفته

سلبه مزاری؛ ولسوال چهارکنت ولایت بلخ
خانم مزاری یک سال قبل به عنوان ولسوالی چهارکنت ولایت بلخ مقرر شد. او اکنون ضمن انجام کارهای اداری اش همراه با نیروهای امنیتی کشور در خط مقدم نبرد با طالبان حضور یافته و عملیات راهبردی می کند.

باید مراکز خاصی برای تربیت مربی های کودکان ایستاد شود

صفحه ۳ ...



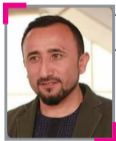
طفل باید در کودکانستان برخی از مهارت های اجتماعی و مهارت های زندگی را بیاموزد و به لحاظ ذهنی آماده ی یادگیری درس و مکتب شوند. اما در افغانستان، کودکانستان راقط جایی می پندارند که برای نگهداری و سرپرستی کودک است. در بعضی از کودکانستان هایی که مراجعه می کردم، می دیدم که سیستم آموزش برای کودکان دارند ولی متوجه می شدم که این سیستم آموزشی اصلن متناسب به سن کودک من و کودکانی که در آن جا آمده اند، نیست.

در معاملات چوکی در بدل سکس، کی ها مقصراند؟ زنان یا مردان؟

وقتی زنی با پوشش متفاوت و موهای نیمه عریان بیرون می شود، همه به او چشم می دوزند. بر علاوه ی نگاه کردن به بدن و طرز راه رفتن اش در مورد او حرف می زنند و نسخه ی زن خوب و زن بد بودن را برایش می پیچند. به سمتش سنگ می اندازند و به هر نحوی، این زن است که مورد آزار و اذیت قرار می گیرد. حتا مسوولیت سنگین نگاه های شهوانی مردان را زنان با خودشان حمل می کنند. زن اگر بخواهد سخنی در این مورد بگوید، با انتقادات شدیدی روبه رو شده، متهم به بد رفتاری ای در خور اذیت شدنش می شود. انگشت انتقاد روی او بلند شده، با صراحت کامل برایش می گویند که تو مقصری چون چنین لباسی پوشیدی و چنان راه رفتی. در مورد نگاه ها و رفتارهای مردان کسی چیزی نمی گوید. مردان همیشه آزادی انجام هر عملی را داشته اند و بدون قید و شرط هر کاری را که خواسته باشند انجام می دهند. بحث بررسی کردن این موضوع به صورت منطقی به طور کامل منتفی است و هیچ گاه در مورد این معضل گفت و گو صورت نگرفته نمی گیرد. تنها چیزی که گفته می شود این است که: خوب، زن زن است و مرد مرد است - معنا و مفهوم این جمله آشکار است. زن باید تابع مرد باشد و در هر صورتی نباید اسباب ناراحتی مرد را فراهم کند. از همین رو، بار سنگین مقصر دانستن زن در هر صورتی هم چون خون در رگ رگ همه جریان دارد. حتا امروزه پیکان سخنان داغ و افشاگری - چوکی در بدل سکس - (در ارگ) زنان را هدف قرار داده و به تنها کسانی که از این ناحیه صدمه وارد می شود زنان می باشند.

در خصوص بحث های داغ سواستفاده ی جنسی در ارگ ریاست جمهوری افغانستان، تمامی زنان به صورت یک نواخت برده های جنسی دولت مردان خوانده می شوند. هیچ استثنایی وجود ندارد؛ به زنی که با توانایی هایش به مقامی رسیده توجه صورت نمی گیرد. در نتیجه این دولت مردان و افراد جامعه ی مردسالار ... ادامه در صفحه ۲ ...

مسخ شده گی زنان در جامعه و فرهنگ مردسالار



تحلیل
یعقوب بسنا

شاید بگوئید مسخ شده گی زنان یعنی چه؟ زن در هر جامعه ای زن است؛ چهره و جنس مخصوص به خود را دارد که از چهره و جنس مردان تفاوت می کند. ظاهر این سخن درست است. اما منظور از مسخ شده گی زنان در جامعه و فرهنگ مردسالار، مسخ شده گی جسمانی نیست که جسم و بدن زن به چیزی غیر از زن مسخ شود؛ منظور این است که علایق جسمانی، جنسی و فرهنگی زنان در جامعه و فرهنگ مردسالار سرکوب می شود، زیرا هر چه که به زنان تعلق می گیرد و زنانه است، زشت و خلاف مردانه تلقی می شود.

مردانه و زنانه در فرهنگ ساختارگرا تقابل دوتایی ای را شکل می دهد که از نظر هستی شناسی، اعتقادات فرهنگی و اخلاقی، تمایل همان نیکی و بدی (خیر و شر) است. در این تقابل دوتایی، مرد سرستون نیکی و خیر است؛ زن سرستون بدی و شر است. بنابراین هر چه زیرمجموعه ی فرهنگ مردانه قرار می گیرد، خوب؛ و هر چه زیرمجموعه ی فرهنگ زنانه قرار می گیرد، بد تلقی می شود. چنان که اشاره شد در فرهنگ مردسالار، خوبی مردانه و بدی زنانه، موردی نیست، بلکه اعتقادی، اخلاقی، هستی شناسانه و فرهنگی است؛ یعنی این تفکیک غایی، ازلی و ابدی دانسته می شود. بنابراین واقعیت فرهنگی و بشری زن مسخ می شود. صدای زن نباید شنیده شود، شیطانی است؛ صدای پای زن نباید شنیده شود، وسوسه برانگیز و شیطانی است؛ چهره و جسم زن نباید تبارز کند، مظاهر شیطانی است؛ و در هر کل به هر گونه کردار، رفتار و گفتار زن بر چسب شیطانی زده می شود. سرانجام مالاها این حکم را صادر می کنند که زنان ریسمان شیطان هستند. این جاست که زن از نظر فرهنگی و اعتقادی به شیطان مسخ می شود.

در فرهنگ مردسالار، اگر یک مرد به یک زن تجاوز می کند، در

برداشت اخلاقی مردانه، زن مقصر دانسته می شود؛ زیرا می گویند اگر آن زن خود را به مرد نشان نمی داد یا مرد آن زن را نمی دید، مرد اغوا نمی شد که بر آن زن تجاوز کند. آن زن باعث شده که مرد را دچار وسوسه های شیطانی کند. اگر چه به صورت مستقیم گفته نشده است اما در فرهنگ مردسالار به نوعی غیر مستقیم به مردان اجازه می دهد که بر زنان تجاوز کنند؛ به خصوص بر زنانی که محرم ندارند و یا از خانه بیرون می شوند. مهم تر از همه در فرهنگ مردسالار، خشک سالی، سیل، زلزله و... به کردار و رفتار زنان ربط داده شده، گفته می شود پیروی زنان از شیطان موجب این آفت و بلاها شده است. این برداشت یک برداشت عامیانه نیست، معمولن روحانیون در ایران، افغانستان و کشورهای دیگر از بلند گوه های رسمی - فرهنگی می گویند که زلزله ها به برهنه گی زنان ربط دارد. چنین برداشتی از زنان در فرهنگ مردسالار، برداشت رسمی - فرهنگی ای گویا عقلی است. این که نظر رسمی - فرهنگی جامعه ی مردسالار است؛ در حالی که در فرهنگ عامه ی جامعه ی مردسالار، تعبیرها و تلقی های متفاوت تحقیر برانگیز و غیر بشری نسبت به زنان وجود دارد که موجب دست کم گیری بشری زنان می شود.

ادامه در صفحه ۲ ...



Star Educational Society

Since 1998

تفاوت را با ما تجربه کنید!

JOIN US FOR A DIFFERENCE

چرا باید به ستاره پیوندید؟

- بیش از ۲۰ سال تجربه تدریس عالی انگلیسی
- بیش از شصت هزار نفر فارغ التحصیل زبان انگلیسی
- بیش از صد نفر دانش آموز ستاره حائز بورس فولبرایت آمریکا
- برای سهولت دسترسی شما، ۱۵ شعبه ستاره در نقاط مختلف شهر کابل و ولایت
- متخصص مشاوره برای دریافت امکانات عالی تحصیلی در دانشگاه های بین المللی
- بنیان گذاری اولین نشریه آموزشی زبان انگلیسی افغانستان به نام اینتر استار با شمارگان ۷۰۰۰ نسخه

مجموعه آموزشی ستاره
ثبت نام می کند

American English File

وب سایت: star.edu.af

شماره های تماس تماس:

انستیتوت: ۰۷۸۹۰۶۳۷۲۳

شعبه A: ۰۷۴۴۵۶۳۷۵۵

شعبه B: ۰۷۴۴۰۴۶۰۵۲

شعبه C: ۰۷۰۸۴۵۷۴۵۳

شعبه D: ۰۷۷۹۶۱۸۵۵۰

شعبه E: ۰۷۷۱۰۴۰۲۳۵

شعبه H: ۰۷۴۶۱۳۴۹۶۲



سال سوم • شماره ۸۴ • شنبه ۱۱ جوزا ۱۳۹۸

Saturday • June 1, 2019 • Vol. 3 • No. 84

ادامه از صفحه اول

ادامه روی کرد **روکردنیمتو**

زنان یا مردان؟

است که اوراق دفتر تبعیض تاریخی را برای چندمین بار ورق می‌زنند. در این صورت، زن به حاشیه رانده شده مورد بازپرس و انتقادات سخت سخنان مردسالارانه قرار می‌گیرد. تاریخ تبعیض تکرار شده، بازهم زن تنها ابزار کار و وسیله‌ی سواستفاده تلقی می‌شود.

حالا، به دور از تمام واقعیت‌های امروزه در جامعه مردسالار افغانستان که تنها زنان را مقصر می‌دانند «تصور کنیم که تمام ساختارهای کاری و جابه‌جایی افراد در ارگ برعکس می‌بود. به این معنا که رییس جمهور، رییس دفتر رییس جمهور، مشاورین رییس جمهور و تمام قدرت‌مندان اصلی در حلقه‌ها وابسته به ارگ زنان می‌بودند. در این صورت اگر کسی از درون یکی از این حلقه‌ها بیرون می‌شد و سپس ادعا می‌کرد «در ارگ حلقه‌های وجود دارد که در بدل سکس چوکی می‌فروشد» آیا بازهم انتقادات شکل امروزی را به خود می‌گرفت؟ آیا در این صورت نیز مقصر مردانی دانسته می‌شد که در بدل کار سکس عرضه کرده بودند؟ با اطمینان می‌توان گفت نه. در آن صورت، گروه‌های مختلف متعصب و نیز مردم عادی انگشت انتقاد را روی زنان قدرت‌مند بلند می‌کردند و تمام نیروی‌شان را برای براندازی آن‌ها از قدرت به کار می‌گرفتند.

در این جا سخن از انکار ادعاهای «چوکی در بدل سکس» نیست. بدون شک، هستند کسانی که تجارت سکس دارند و از این طریق خودشان را به جایگاه و مقام و قدرت می‌رسانند، اما موضوع جدی و قابل بحث این است که باید تفکیک صورت بگیرد. این مساله نباید ضربه به بدنه‌ی ساختار کاری و زنده‌گی زنان قدرت‌مند بزند.

از سوی دیگر، مساله‌ی «چوکی در بدل سکس» تنها در یک حلقه و ارگان خلاصه نمی‌شود. با اطمینان می‌توان گفت که در افغانستان بیش‌تر از ۹۰ درصد ارگان‌های که مردان در راس قرار دارند از این روی کرد برای جذب نیروی کاری و سواستفاده‌ی جنسی هم‌زمان استفاده می‌کنند.

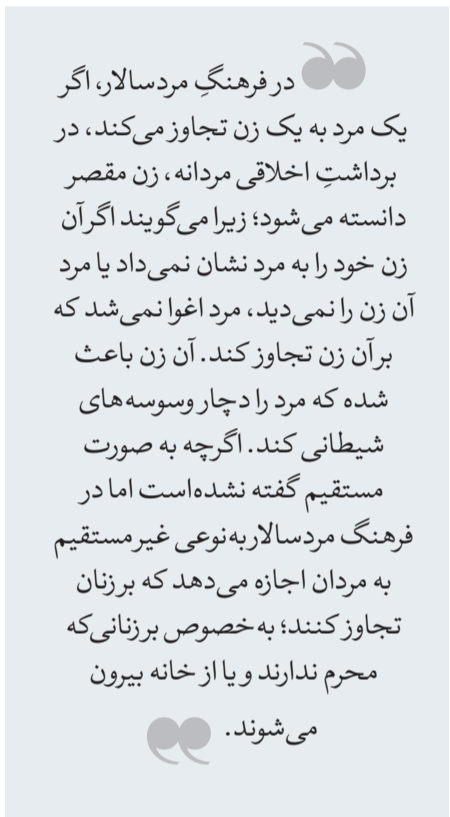
با در نظر داشت اتفاقاتی که در این اواخر افتاد، باید بدانیم که خطرات جدی زنان را تهدید می‌کند. تهدیدات، افشاگری‌ها و بازی‌های سیاسی به این شیوه، مهم‌ترین و قوی‌ترین سند و دلیل برای مخالفان حقوق زنان می‌باشد. در این صورت آن‌ها می‌توانند به راحتی زنان را آسیب‌پذیر و ابژه‌ی جنسی برای مردان بخوانند. بنا به همین دلایل و مسوولیت حفظ اصل حقوق زنان به مثابه‌ی انسان در یک جامعه نباید خاموشی اختیار کرد و در مقابل تمام این بی‌عدالتی‌ها ساکت ماند. رسیده‌گی به این موضوع و پیدا کردن راه کارهای جدی و منطقی تنها راه بیرون رفت از این معضل است. این زنان هستند که در هر مرحله بیش‌ترین صدمه بر آن‌ها وارد می‌شود. بنابراین فعالان حقوق زنان بیش‌ترین مسوولیت را دارند. هم‌چنان، اگر پافشاری کنیم تا به صورت قانونی با این مساله برخورد شود. باید روی مجازات شدن مردان مسوول و صاحب صلاحیت در دفترهای کاری تاکید صورت بگیرد. وزیر، رییس و تمام مردانی که از قدرت‌شان سواستفاده می‌کنند باید در رده‌های نخست صف‌بندی‌های مجازات، توهین و تحقیر قرار بگیرند. این مهم است که بار سنگین تحقیر و توهین شدن را در هر صورتی از دوش زنان برداریم.

۲

مسخ‌شده‌گی زنان در جامعه و فرهنگ مردسالار

رابطه برقرار خواهد کرد. بدن عروسک‌ها طبق میل مردان مهندسی و طراحی شده‌است؛ در ساخت واژن عروسک‌ها از موادی استفاده شده که باکره‌گی عروسک‌ها را برای همیشه حفظ کند. این حفظ باکرگی یکی از آرمان‌های جنسی مردان است که در فرهنگ مردانه، تحقق این آرمان به مردان وعده داده شده‌است؛ یعنی با زنی هر بار بخوابی، در هر بار آن زن انومات (خود کار) باکره شود.

به رویکرد بازار به خدمات جنسی کاری نداریم؛ ممکن روزی به تقاضای مشتریان زن، دامادک‌های جنسی نیز ارایه کند. مسخ‌شده‌گی زنان در فرهنگ مردسالار، نگرانی جدی‌ای در مناسبات اجتماعی،



در فرهنگ مردسالار، اگر

یک مرد به یک زن تجاوز می‌کند، در

برداشت اخلاقی مردانه، زن مقصر

دانسته می‌شود؛ زیرا می‌گویند اگر آن

زن خود را به مرد نشان نمی‌داد یا مرد

آن زن را نمی‌دید، مرد اغوا نمی‌شد که

بر آن زن تجاوز کند. آن زن باعث

شده که مرد را دچار وسوسه‌های

شیطانی کند. اگرچه به صورت

مستقیم گفته نشده‌است اما در

فرهنگ مردسالار به نوعی غیرمستقیم

به مردان اجازه می‌دهد که بر زنان

تجاوز کنند؛ به خصوص برزنانی که

محرم ندارند و یا از خانه بیرون

می‌شوند.

سیاسی، فرهنگی، خانوادگی و حقوق بشری بین زن و مرد است. مناسبات فرهنگی‌ای که واقعیت بشری زن را انکار و کتمان می‌کند و زن را به مظاهر شیطان، به ابژه‌ی جنسی و در مطلوب‌ترین حالت به نعمت مسخ می‌کند.

مسخ فرهنگی سرانجام این باور و ایده را در ذهن انسان مسخ شده نهادینه می‌کند که واقعا او مظهر

بدی و شیطانی است و برای این آفریده شده یا وجود دارد که تمتع جنسی مرد باشد. این مسخ‌شده‌گی فرهنگی است که هر زن در جامعه‌ی مردسالار آرزوی این را دارد کاش پسر به دنیا می‌آمد. خیال می‌کند تقصیر و گناهی داشته‌که دختر به دنیا آمده‌است؛ حتا بسیاری از زنان در جامعه‌ی مردسالار به این نظر استند اگر آنها زن به دنیا می‌آمدند، کاش هیچ به دنیا نمی‌آمدند.

چرا زنان در جامعه‌ی مردسالار دچار چنین برداشتی نسبت به خود می‌شوند؟ برای این که در فرهنگ مردسالار هر عضو بدن زن، نام زن، رفتار زن و کردار زن نفرین شده تلقی شده‌است. انسان واقعی و چهره‌ی واقعی انسان، مرد است. زن در واقع چهره‌ی مسخ‌شده و نفرین‌شده‌ی انسان است؛ اگر زن نفرین نمی‌شد و مسخ نمی‌شد، مرد به دنیا می‌آمد.

چنین دیدگاه‌های تقابلی، که به مردان امتیاز هستی‌شناسانه و بشری می‌دهند و زنان را فاقد امتیاز بشری و هستی‌شناسانه می‌سازند به ژرف ساخت و ساختار فرهنگی جامعه‌های بدوی پدرسالار و مردسالار ارتباط دارد. بنابراین تا این ساختار تقابلی مورد نقد واقع نشود؛ قانون مستقیم و غیر مستقیم از چنین ساختار تقابلی حمایت کند و زنان نتوانند در راس ستر محکمه و لوی سارنوالی و... قرار بگیرند؛ مشکل است بتوان زنان را از مسخ‌شده‌گی در فرهنگ پدرسالار و مردسالار رهایی بخشید و ذهنیت‌ها را تغییر داد.

فلسفه‌ی روشن‌گری و مدرن در اروپا نه تنها از نظر معرفتی ساختارهای تقابلی فرهنگ پدرسالار و مردسالار جامعه‌های غربی را مورد نقد قرار داد و از بنیاد، هستی‌شناسی فرهنگ پدرسالار و مردسالار جامعه‌های غربی را دچار تحول کرد؛ در عمل و رفتار قانونی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نیز از زنان حمایت کرد تا ذهنیت فرهنگی پدرسالار و مردسالار جامعه‌های غربی نسبت به زنان تغییر کند، عملاً توانایی بشری زنان را در هر عصری زنده‌گی ببینند، به توانایی بشری زنان باورمند شوند، بدانند که زنان و مردان از نظر جنس متفاوت اما از نظر حقوق بشری برابر هستند. ویژگی‌های بشری و نفسانی هر جنس مستقل و مخصوص به خودش است که باید به استقلال ویژگی‌های بشری فرد فرد هر جنس احترام گذاشته شود. متأسفانه، فرهنگ پدرسالار و مردسالار ما هنوز در ساختار معرفتی ماقبل مدرن قرار دارد که بنابه حمایت‌های رسمی و فرهنگی، هر گونه دید انتقادی را نسبت به ساختار فرهنگی خود، کفر قلم داد می‌کند. با این کفر قلم‌داد کردن از نقد و روشن‌گری معافیت حاصل کرده‌است. فرهنگ نر و با غیرت باید همین گونه فرهنگ باشد.

چنان‌چه یاد آوری شد به موازات برنامه‌های کمپیوتری که فیلم‌های جعلی را تولید می‌کند، برنامه‌ها نیز توسعه می‌یابد و این می‌تواند آن‌ها را نشان دهد. ابزار گزارش شده است، هم‌چنین بر روی الگوریتم‌ها نیز ساخته شده و یا در حال ساخته شدن است که به دنبال ناپیوسته‌گی‌های کوچک در فیلم‌ها و تصاویر، به ساده‌گی یک مقایسه تفاوت فیلم مشکوک با اصل را آشکار می‌نماید.

زیر سوال بردن منابع به ما امکان می‌دهد تا داده‌های را که به دست می‌آوریم درست تشخیص دهیم و از جعلی بودن‌شان خاطر جمع باشیم و از این‌رو قربانی دروغ و تقلب نگردیم.

۱ Forskning och framsteg ۳۸–۴ ۲۰۱۹
۲ "Vi är skapade av AI". Forskning & Framsteg, ۱۱ april ۲۰۱۹, <https://fof.se/tidning/۴/۲۰۱۹/artikel/vi-ar-skapade-av-ai>.
۳ Ibid

منابع
Göteborgs universitetsbibliotek:
Källkritik. <http://www.ub.gu.se/skriva/kallkritik/>. Åtkomstdatum ۳۰ maj ۲۰۱۹.
"Vi är skapade av AI". Forskning & Framsteg, ۱۱ april ۲۰۱۹, <https://fof.se/tidning/۲۰۱۹>

پدیده‌ی جعل عمیق...

به عمر رسانه‌ها کوتاه است. اما استفاده از آن کلیت نظام اعتماد اجتماعی را زیر سوال می‌برد. در افشاگری و اتهام فحشا و شغل در برابر سکس سخن از حضور فیلم‌های سکسی که احتمالاً قربانی‌هایش را از میان زنان انتخاب خواهد نمود، نیز روی صفحات فیسبوک مطرح شده است. هرچند این مقاله سطحی است اما دلیلی که مرا وادار به نوشتن کرد این بود تا نگاهی به امکانات مجازی برای تقلب و تولید فریب و استفاده ابزاری از برنامه جعل عکس، فیلم، آواز و متن‌های که مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد بیاندازم.

از آن‌جا که با این برنامه می‌توان ویژه‌گی‌های حرف زدن، تغییرات صورت و ادا و اطوارهای طبیعی را بر روی یک عکس و فیلم قرار داد تا آن را به زنده‌گی تبدیل کند. این باعث می‌شود که فیلم‌ها به طور قابل ملاحظه‌ای دست‌کاری شده باعث پیچیده‌گی در تقلب گردد.

این برنامه‌ها روش‌های کم‌هزینه برای ساخت دروغ و جعل با کیفیت بالا را ارائه می‌دهد. نگرانی‌های وجود دارد که از این برنامه‌ها در قالب تبلیغات علیه انسان به کار گرفته و سواستفاده صورت بگیرد. مطمئن افراد وجود دارند که از این تکنیک برای انتقام‌گیری مانند تولید فیلم‌های لخت و پورنوگرافیک مورد بهره‌گیری، استفاده کنند.

هر گونه وجود و واقعیت زن را به امر شر تقلیل می‌دهد که وجود و حضور زن، مظاهر شیطانی دانسته می‌شود؛ به این خاطر زن که مظاهر شر است، باید سرکوب شود. زن سرکوب می‌شود؛ سرکوبی زن یعنی سرکوبی مظاهر شیطانی است؛ زیرا زن در مظاهرهای شیطان مسخ شده یا این که شیطان در وجود و واقعیت زن ظاهر شده‌است. بنابه این برداشت فرهنگی مردانه، باید وجود و واقعیت زن کتمان شود. پس از کتمان وجود و واقعیت زن، مرحله‌ی دوم مسخ‌شده‌گی زن فرا می‌رسد که این مسخ‌شده‌گی همان ابژه‌شده‌گی و شی‌شده‌گی جنسی زنان است. زن بیشتر از ابژه‌ی جنسی کارکردی ندارد. بهترین توصیف زن در مسخ‌شده‌گی ابژه و شی‌شده‌گی جنسی این است که «زن نعمت است». انواع خوراکی، پوشاک و نوشیدنی نعمت است. زن نیز نعمت است. نعمت جنسی برای مرد.

دوستان مرد من که ازدواج کرده‌اند یا غیر از ازدواج به سگس دسترسی پیدا کرده‌اند، به من گفته‌اند یسنا خداوند زن را عجب نعمتی آفریده‌است؛ از همه‌ی نعمت‌ها کرده مزه داشته‌است. این نوع نگاه به زن، معمولی و سطحی نیست؛ بلکه برداشت فکری و فرهنگی ما مردان را نسبت به زنان نشان می‌دهد که در بهترین حالت زنان را نعمت فکر می‌کنیم؛ آنهم نعمتی یک‌طرفه که فقط ما از خوردن زن لذت می‌بریم. زن در چنین برداشتی، شی و ابژه است که نفس جنسی برای زن در نظر گرفته نشده و نفس زن کتمان شده‌است. زیرا نفس جنسی داشتن زن بد است؛ برای این که هر گونه نفس جنسی زن، شیطانی است. سرکوب وجود و واقعیت نفسانیت جنسی زن از همینجا ناشی می‌شود که نفسانیت زن، شیطانی است؛ باید سرکوب شود تا فاقد نفسانیت شود؛ فقط مرد بتواند از زن همچون نعمت بهره‌برد.

در چنین وضعیتی، فقط مرد فاعل نفسانی است که از ابژه و شی جنسی‌ای بنام زن لذت می‌برد. این رویکرد نسبت به زنان تنها در فرهنگ‌های مردسالار عقب‌مانده وجود ندارد، بلکه این رویکرد فرهنگی مردانه نسبت به زنان به گونه‌های متفاوت، مهندسی شده و خود را در جامعه‌های بشری به عنوان فرهنگ مردانه نشان می‌دهد. یکی از نمونه‌های مسخ‌شده‌گی مدرن‌تر در جهان سرمایه‌داری و شرکت‌های تجاری خدمات جنسی، ساختن عروسک‌های نسبتاً هوشمند است که در خدمت مشتریان مرد به عنوان ابژه و شی جنسی ارایه می‌شود. این عروسک‌های جنسی در واقع تحقق آرمانی گزاره‌ی «زن نعمت است» می‌تواند باشد. برای این که عروسک‌ها نفس ندارد. کارکرد دیگر نیز ندارد. در خانه می‌توان قفل کرد، نگران نبود که مردی به او نگاه خواهد کرد یا با مردی

ادامه از صفحه ۴

پدیده‌ی جعل عمیق...

اعضای جامعه را نسبت به خود تا مرز اثبات تقویت می‌کند، چون شهروندان افغانستان اکثرن منتقد نیستند و مکانیسم‌ها پژوهش‌گر تولید مواد تبلیغاتی و دروغ پردازی‌های مجازی را نمی‌دانند. از این رو اتفاقات تصادفی باعث اثبات داده‌های ذهنی آن‌ها شده که ربطی به واقعیت و حوادث عینی را نمی‌توانند تشخیص بدهد. شهروند منتقد دنبال منبع اصلی و اسنادی می‌گردد تا خودش را به حقیقت موضوع آشنا کند و باجدیت میان حقیقت و دروغ تفاوت قابل است و حتا اگر اثبات حقیقت خلاف انتظار و به ضرر او تمام شود.

شکی نیست که دولت افغانستان به اندازه کافی فاسد و غرق در چور و چپاول بوده و سیاست‌های نیولیبرالی آن عرصه زنده‌گی برای اکثریت زحمت کشان افغانستان را تنگ نموده‌است. ولی نباید از نظر دور داشت که در بازی کثیف سیاسی افغانی اندیشه‌ی جنسی سازی فساد و فحشا که از جانب هم کار دیروز و مخالف امروز اشرف غنی مطرح می‌شود سوال برانگیز و ممکن است در تباری با سیاست طالبانی سازی برای دور نگه داشتن زنان از سهم‌گیری در قلمرو قدرت خارج از خانه چیده شده باشد. این سوال به معنای دفاع از دولت فاسد نبوده بلکه نشانه‌گیری فرهنگ داد و ستد و کلیاتالیسم سیاسی موجود در بازار قدرت سیاسی در افغانستان می‌باشد. پدیده «جعل پر ژرف» در ذیاب‌ی رسانه‌ی نسبت

باید مراکز خاصی برای تربیت مربی‌های کودکان ایستاد شود

کودکستان، تنها جایی برای نگهداری و سرپرستی از کودک نیست؛ بلکه آموزش‌های متناسب به سن در این دوره مهم‌تر است.



گفت‌وگو
حسین احمدی

گفت‌وگو با زهرا تارشی، بنیان‌گذار کودکستان خانه خورشید

خانم تارشی، برای معرفی بهتر به مخاطبان نیم‌رخ، ابتدا در مورد خودتان بگویید.
زهرا تارشی هستم، دوره‌ی کارشناسی (لیسانس) را در رشته روان‌شناسی تحصیل کردم و از یکی از دانشگاه‌های کشور ایران کارشناسی ارشد (ماستری) مدیریت تجارت دارم. پیشینه‌ی کاری من در کابل، بیش‌تر شغل دولتی داشتم و در نهادهای مختلف منجبت مشاور کار کرده‌ام. یک دوره‌ای را هم همراه همسرم در بخش مالی یک شرکت خصوصی کار کردم.

اکنون ما این‌جا در «کودکستان خانه خورشید» هستیم، در مورد خانه خورشید بگویید که انگیزه و برنامه تاسیس این کودکستان چه بوده؟

دغدغه‌ی نگهداری دو تا دخترم دلیل اصلی بود که رویاوارم به کودکستان و در این عرصه فعالیت کنم. از آغاز کار خانه خورشید به صورت رسمی که شاگرد جذب کردیم مدت یک سال می‌گذرد، اما قبل از آن فعالیت‌های مان را شروع کرده بودیم و استادان ما آموزش می‌دیدند. دومین دخترم که به دنیا آمد، دختر نخست سه ساله بود، در آن‌زمان به هر کودکستانی که مراجعه می‌کردم از من می‌پرسیدند که «وظیفه‌دار هستی؟» برای این که بدانم نگاه آنان نسبت به کودکستان چگونه است، می‌گفتم «نه!». جالب بود که همه می‌گفتند وقتی وظیفه ننداری، چرا فرزندت را می‌خواهی به کودکستان بیاوری؟ در همین اثنا من متوجه شدم که در شهر کابل دیدگاه مردم و حتی کارمندان کودکستان‌ها این است که کودکستان جایی برای نگهداری اطفال مادران مجبور است؛ مادرائی که وظیفه دارند، بیمار اند و یا محصل هستند و از روی اجبار فرزندشان را به کودکستان می‌آورند تا کسان دیگری روزانه در کودکستان نگهداری کنند.

اگر نگاه دیگران نسبت به کودکستان این‌گونه است، پس به پندار شما فلسفه‌ی وجود کودکستان چیست و کودکستان چگونه جایی است؟

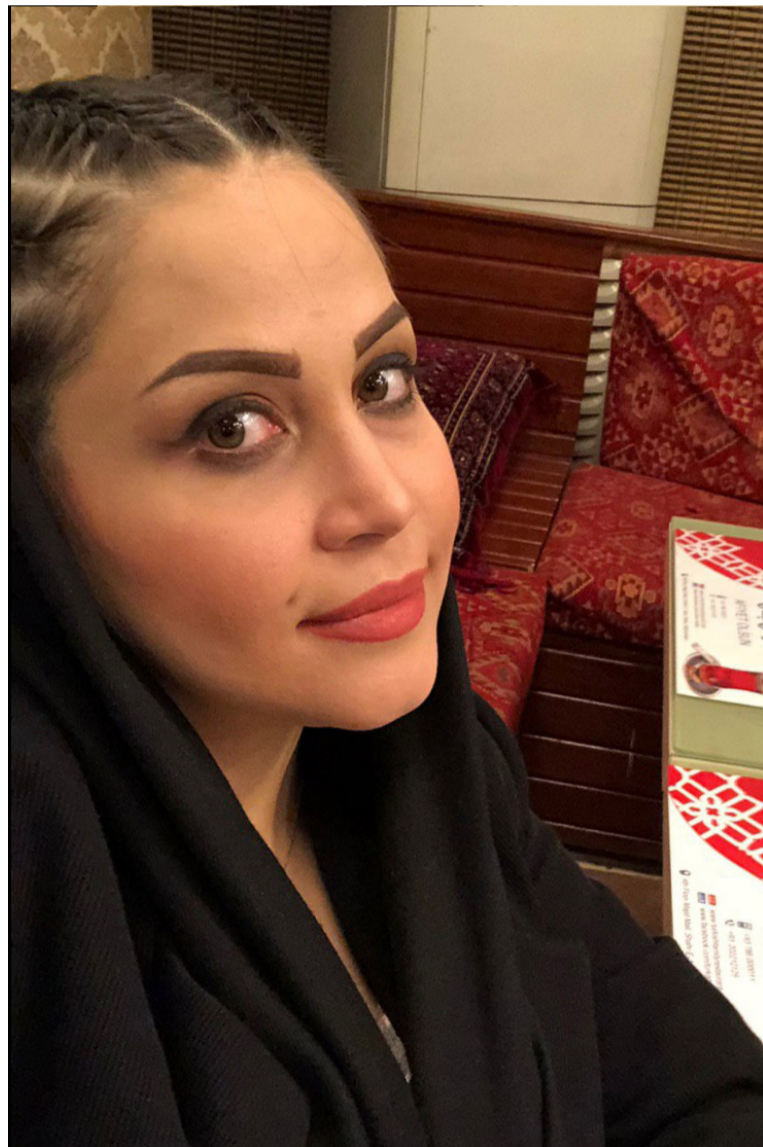
به نظر من، جنبه نگهداری کودکان در کودکستان خیلی اهمیت دارد، اما کودکستان، تنها جایی برای نگهداری و سرپرستی از کودک نیست؛ بلکه آموزش‌های متناسب به سن در این دوره مهم‌تر است. در کشورهای تتمدن، کودکانی که دوره‌ی کودکستان را سپری نکرده باشند، در مکتب ثبت‌نام نمی‌کنند؛ چون طفل باید در کودکستان برخی از مهارت‌های اجتماعی و مهارت‌های زنده‌گی را بیاموزند و به لحاظ ذهنی آماده‌ی یادگیری درس و مکتب شوند. اما در افغانستان، کودکستان را فقط جایی می‌پندارند که برای نگهداری و سرپرستی کودک است. در بعضی از کودکستان‌هایی که مراجعه می‌کردم، می‌دیدم که سیستم آموزش برای کودکان دارند ولی متوجه می‌شدم که این سیستم آموزشی اصلاً متناسب به سن کودک من و کودکی که در آن‌جا آمده‌اند، نیست. مثلاً به کودک سه ساله‌ی من شعر انگلیسی یاد می‌دادند در صورتی که دخترم نمی‌دانست که چه می‌خواند. وقتی از دیگر مادران می‌پرسیدم که شما با نظام آموزشی این کودکستان مشکل ندارید؟ می‌گفتند نه، مهم این است که فرزندان ما انگلیسی هم می‌خوانند و انگلیسی یاد می‌گیرند. ولی من می‌گفتم وقتی کودکان ترانه می‌خوانند باید

بفهمد که چه می‌خواند. آموزش نامتناسب به سن کودک به مراتب ضربه‌ی بدی به کودک می‌زند نسبت به این که هیچ آموزش نباشد. من مادران دانش‌آموخته و با درکی را می‌دیدم که دنبال کودکستانی می‌گشتند که به کودکشان اصلاً آموزش ندهد؛ چون آموزشی که متناسب به سن کودک نباشد بر روان کودک ضربه می‌زند.

وقتی شما با چنین صحنه‌هایی مواجه شدید، در خانه خورشید چگونه سیستمی را مد نظر گرفتید که متفاوت از دیگران و به لحاظ معیار سنی کودکان متناسب باشد؟

چون من لیسانس روان‌شناسی دارم و رشته‌ی من هم روش‌های تدریس است دنبال یک نظام آموزشی معیاری و بهتر برای دوره‌ی کودکستان بودم. در مورد نظام آموزشی کودکستان در دنیا زیاد مطالعه

مونده سوری برای دوره‌ی کودکستان نسبت به دیگر روش‌ها این است که برای هر دوره‌ای در پنج بخش وسیله‌های خاصی دارد: در بخش ریاضی و جغرافیه، در بخش مهارت‌های زنده‌گی، در بخش فرهنگ، در بخش حرکات‌های تربیتی و حواس پنج‌گانه و در بخش زبان‌آموزی. در این پنج بخش وسایل خاصی دارد که تمام‌ن به شکل بازی طراحی شده است. کودک بازی می‌کند، اما طبیعی است که خطا می‌کند ولی مربی به کودک هرگز نمی‌گوید که اشتباه کردی! بلکه مربی پرسش‌هایی را مطرح می‌کند که کودک به اشتباهش پی ببرد و بعد از آن خودش اصلاح می‌کند. به لحاظ زمانی شاید یک ماه بگذرد تا کودک یک مساله را بیاموزد، اما کیفیت یادگیری بسیار بالا است؛ چون خود کودک بر کیفیت کارش پی می‌برد و خودش می‌آموزد که لذت و ماندگاری این نوع آموزش به مراتب بیش‌تر است.



در کل، دوره‌ی کودکستان بر ذهن کودکان چگونه تأثیر می‌کند که در اجتماعی شدن و آماده شدن کودکان برای دوره‌های بالاتر آموزشی کمک کند؟

این که کودکستان قبل از مکتب موثر است، برای جوامعی مصداق دارد که کودکستان‌های معیاری دارند. اما در وضعیت کنونی، اکثریت مطلق کودکستان‌های کابل را که من رفتم و دیدم، نمی‌توان گفت که رفتن به این کودکستان‌ها می‌تواند باعث رشد فکری کودکان شود. هم‌چنان که قبلاً جسمانی کودک داشته باشد. مثلاً، اگر بخواهید کودک را در خانه با قلم و دفتر آموزش بدهید تمایلی نشان نمی‌دهد ولی در قالب بازی بسیار راحت و با ذوق آموزش می‌بینند.

در روش «مونه سوری» (مربی (استاد) هرگز چیزی را به کودک یاد نمی‌دهد تا آن را حفظ و بازخوانی کند؛ بلکه زمینه را مساعد می‌سازد تا کودک خودش یاد بگیرد. در این‌جا مربی فقط نقش هدایت‌گر را دارد. تفاوت و نقطه‌ی عطف روش آموزشی

سه‌ساله حتی نوشتن ضرر دارد، چون بر رشد ذهنی کودک آسیب می‌زند. در این مورد باید گفت که از جانب رسانه‌ها نیز آگاهی‌دهی نشده است و خانواده‌ها نیز به خاطر نداشتن آگاهی لازم در این باره، علاقه دارند تا کودکانشان هرچه در سن کم‌تر نوشتن و خواندن را یاد بگیرند. در حالی که از ضربه‌های روانی «سیستم آموزشی نامتناسب به سن کودک» بی‌خبر اند. روش آموزش در کودکستان اگر مبتنی بر معیار متناسب به سن و متمرکز بر تقویت حواس پنج‌گانه کودک باشد و برایش مهارت‌های اجتماعی و مهارت‌های زنده‌گی را یاد بدهند، طبعاً باعث تقویت ذهنی کودک می‌شود.

ضمن آموزش، در بُعد نگهداری کودک در کودکستان، یک کودک در کودکستان زیر نظر مربی‌های روان‌شناسی و در میان کودکان پیش‌نری زنده‌گی می‌کند؛ پرسش این است: آیا آرازمی را که یک کودک در خانه و در آغوش مادرش تجربه می‌کند در کودکستان تجربه خواهد کرد؟

من یک نکته را باید اشاره کنم که ما در «خانه خورشید» فقط کودکانی را ثبت نام می‌کنم که از سن شان از دو ساله به بالا باشد. به لحاظ علمی، کودک تا سن دو ساله‌گی باید در آغوش مادر باشد. در صورتی که مادر مجبور باشد، بهتر است یک مراقب ثابت استخدام کند و کودک در خانه نگهداری شود. بنابراین من با نگهداری کودک زیر سن دو ساله در کودکستان موافق نیستم و در خانه خورشید نیز شاگرد زیر دو ساله‌گی نداریم. از دو ساله‌گی به بعد، کودک باید برخی از مهارت‌های اجتماعی و زنده‌گی را باید یاد بگیرد که نیاز به محیط خاصی دارد و فراهم کردن این محیط در خانه برای همه‌گی ممکن نیست. مثلاً این که کودک باید با کودکان هم‌سن خود رابطه برقرار کند ولی ممکن نیست یک مادر در خانه چنین فضایی را مهیا کند. پس نیاز است کودک به کودکستان برده شود.

در کودکستان معمولن دختران و پسران بدون تفکیک جنسیت در یک محیط هستند. همین‌جا می‌خواهم مطابق رویکرد «نیم‌رخ» روی دختران متمرکز شویم؛ چگونه می‌شود ذهنیت کودکان را از خردسالی به گونه‌ای شکل داد که به یک جامعه‌ی برابر فکر کنند و وقتی بزرگ‌تر شدند نگاه جنسیتی نداشته باشند؟

یک نکته که از آغاز کار کودکستان خانه خورشید تاکنون باعث ناراحتی خودم شده، این است که اکثریت شاگردان کودکستان‌ها و مشخصن در خانه خورشید حدود ۸۰ درصد شاگردان ما پسر هستند. خانواده‌ها به دختران شان کم‌تر اهمیت می‌دهند و روی دختران شان کم‌تر هزینه می‌کنند. مساله‌ی دیگری هم هست؛ تفکیک جنسیتی وجود ندارد و تلاش ما هم بر این است که نگاه جنسیتی به انسان وجود نداشته باشد (زن و مرد هر دو انسان است)، اما برخی از موارد آموزش‌های جنسی را در کودکستان داشته باشیم. مثلاً طفل دو و نیم ساله یا سه ساله هر دو (پسر و دختر) وقتی در کودکستان می‌آید بسیار بی‌آلایش در جلو دیگر دختران و پسران لباسش را تبدیل می‌کند ولی این کار نباید صورت بگیرد. مربی‌های ما به کودکان آموزش می‌دهد که «بدن شما متعلق به خود شما است و هیچ کس دیگری حق ندارد به بدن شما دست بزند». حتی کودکانی که دوست ندارند بوسیده شود، حتی پدر و مادرش حق ندارند به زور او را بوسند.

به برداشت شما، کودکستان‌هایی که در کابل وجود دارد، طی چند

سال اخیر، آیا تغییری در قدرت فکر و توانایی‌های شاگردان شان به وجود آورده است؟

این‌جا «کودکستان خوب» به کودکستانی می‌گویند که از نظر بهداشت، تغذیه و امنیت خوب باشد. اما از نگاه روش آموزش، من وضعیت را فوجی‌تر از آن می‌دانم که بگوییم این کودکستان‌ها قدرت فکر و مهارت‌های کودکان را بالا برده یا تغییرات مثبتی به وجود آورده باشد. در دیگر دولت‌ها تلاش بر این است تا در دوره‌ی کودکستان مهارت یادگیری کودک را بالا ببرد و او را برای آموزش و یادگیری آماده کند.

در کودکستان خانه خورشید، شاید شاگردان ما حروف زبان انگلیسی و شمردن اعداد را یاد نداشته باشد ولی روی حواس پنج‌گانه کودک (حس‌های دیداری، بویایی، ذائقه، لمس و شنیداری) کار می‌شود. وقتی حواس پنج‌گانه تقویت می‌شود توانایی یادگیری خود به خود بالا می‌رود. مثلاً: کودکی که روی حواس پنج‌گانه‌اش کار شده است هر مساله‌ای را زودتر از کودکی که حروف و اعداد و ترانه یاد گرفته است، درک می‌کند؛ چون ذهنش آماده‌ی جذب اطلاعات است. بنابراین به جای این که ذهن کودک را انباری از اطلاعات بسازیم، باید ذهن کودک آماده‌ی جذب و درک اطلاعات شود و کیفیت یادگیری‌اش را بالا ببرد.

در مورد کودکستان خانه خورشید اگر بگویید که چه تعداد شاگرد و معلم دارید؟ به خاطر مسایل امنیتی در این مورد حرفی گفته نمی‌توانیم.

چالش‌های فراروی کودکستان‌ها و معیاری شدن آن‌ها در افغانستان چه است؟

عدم مربی‌های مسلکی و نبود مرکز تربیتی مربی کودکستان دو چالش عمده است؛ هم‌چنان عدم حمایت دولت و بحث هزینه کودکستان‌ها. برای ساختن یک کودکستان معیاری، امکاناتی نیاز است که در افغانستان وجود ندارد، خرید و ترانسپورت این وسایل از کشورهای بیرونی کار دشواری و هزینه‌بر است که دولت هیچ سهولتی در این مورد فراهم نکرده است. این یک واقعیت است که بسیاری از خانواده‌ها نمی‌توانند هزینه کودکستان فرزندان شان را بپردازند. کودکستان خانه خورشید نسبت به دیگر کودکستان‌هایی که در این حوالی وجود دارد هزینه بالاتری هم دارد؛ به خاطر این که تهیه کردن امکانات و جذب مربی‌های متخصص برای ما هزینه‌ی بیش‌تری دارد. اگر نهاد و یا اداره‌ای فقط مواد آموزشی ما را فراهم کند من حاضرم برای خانواده‌ها آموزش دهیم که چگونه با وسایل بسیار ساده در خانه‌شان روی تقویت حواس پنج‌گانه و مهارت‌های زنده‌گی و اجتماعی کودکان کار کنند.

و در آخر، اگر حرف یا پیامی در مورد کودک و کودکستان دارید بفر ما بید.

حرف من برای پدران و مادران این است که باید سطح آگاهی‌شان را در مورد مهارت‌های کودکان بالا ببرد. گاهی مادران شکایت می‌کنند که فرزندم دو سه ساله هست، اما با کسی رابطه برقرار نمی‌تواند؛ این یک امر طبیعی است که نتواند، اگر بتواند غیر طبیعی است. یک امر ضروری این است که باید نظر به وضعیت و شرایط کودک افغانستان، سطح مهارت متناسب به سن کودک تعریف شود که یک کودک دو ساله یا سه ساله چه مهارت‌ها و توانایی‌هایی را باید داشته باشد. در دیگر جوامع تعریف شده است، اما تعریف آنان نسخه‌ای خوبی برای کودکان افغانستان نیست؛ چون ما با مشکلات فرهنگی، ناامنی و فقر درگیر هستیم. دولت و خانواده‌ها در این مورد کار کنند و باید شبیه دارالمعلمین مراکز خاصی برای تربیت مربی‌های کودکستان نیز ایجاد شود.

تحقیق ملی «زنان، صلح و امنیت» در ولایت کندز؛ زنان نگران فروپاشی ارزش‌ها و دست‌آوردهای عصر جدید است

محمدعارف میشر رییس سارنوالی استیناف ولایت کندز گفت که ناامنی، خشونت را ایجاد می‌کند. تعریفی که از خشونت شده هر نوع فشار روحی، فکری و جسمی تعریف شده است، اما بالای ابعاد خشونت روحی و روانی کم‌تر بحث صورت گرفته است. در حالی که تأثیرات روحی خطرناک‌تر از آثار خشونت فیزیکی است و هر روز این جنگ و خشونت از زنان افغانستان قربانی می‌گیرد.

نصیبه هولکر رییس امور زنان ولایت کندز تاکید کرد که اگر حرف صلح و مصالحه درمیان باشد باید در نخست «آتش‌بس» صورت بگیرد. به گفته‌ی او، یکی دیگر از نگرانی‌های زنان بحث ارزش‌ها و دست‌آوردهای هفده ساله شان است؛ زیرا در جایگاه و وضعیت زنان در همه عرصه‌های زندگی تغییری رونما شده است که نباید نادیده گرفته شود.

حاجی امام‌الدین نماینده‌ی قربانیان جنگ ولایت کندز گفت: «هن از ائرمین جنگ و بدبختی در سال گذشته ۱۴ تن از اعضای خانواده خویش را از دست داده‌ام. اساسی‌ترین خواست ما(خانواده‌های قربانیان) این است که یک صلح بین‌افغانی باشد.»

و در اخیر این برنامه، بانو سلیمه حیدری یکی از فعالان حقوق زن در ولایت کندز نیز گفت که از دیدگاه دین اسلام همه زنان باید در مسایل اجتماعی و سیاسی سهیم باشند و مشارکت فعال داشته باشند، اما تاکنون زنان در مسایل اجتماعی حضور اندک دارند و متأسفانه در عرصه سیاست حضور شان بی‌نهایت کم‌رنگ و غیر تأثیرگذار است که باید زنان در عرصه تصمیم‌گیری‌ها به جایگاه بهتری برسند.

یک از افغان‌ها نمی‌رسد؛ هر افغانی که هست چه جنگ می‌کند و چه دفاع می‌کند به هر نامی که باشد از این جنگ منفعتی ندارد. پس چرا جنگ؟ و چرا دوام جنگ؟

به گفته‌ی او، مذاکرات صلحی که جریان دارد در بیرون از خاک افغانستان جریان دارد و شهروندان از چگونه‌گی آن اطلاع ندارند؛ ولی در این مذاکرات باید مسایل ملی، منفعت اقتصادی، حقوق زنان و مسایل فرهنگی و تاریخی ما تمام مطرح شود.

غلام‌الله رحیمی نماینده‌ی ریاست محکمه استیناف ولایت کندز نیز در این برنامه گفت: ناامنی‌های امروزی حاکمیت قانون را نیز با چالش مواجه کرده است. قضایای مدنی و شخصی که به دیوان احوال شخصیه مراجعه می‌کنند به جز ولسوالی امام صاحب این ولایت در سال دو تا سه قضیه از سایر ولسوالی‌ها داریم؛ این آمار نشان‌دهنده‌ی عدم حاکمیت قانون در این ولسوالی‌ها و حکومت صحرایی است.

هم‌چنین، بانو کریمه صادقی نماینده‌ی شورای ولایتی ولایت کندز گفت: در چهار دهه جنگ متضررترین قشر جامعه، زنان هستند، امروز بالاتر از ۵۰ درصد از خواهران ما از سواد محروم هستند، در شش ولسوالی ولایت کندز هنوز مکتب وجود ندارد و دختران از صنف شش به بالا تحصیل کرده نمی‌توانند.

او افزود: «ما زنان نمی‌خواهیم که دست‌آوردهای ۱۸ ساله‌ی ما را از دست بدهیم. زنان باید همه‌گی در کنار هم‌دیگر متحدانه از حقوق انسانی و قانونی مان صیانت کنیم. در مورد صلح هم انتظار ما این است که یک صلح پایدار بخواهیم که در آن نقش زنان هم باشد و تمام اقشار جامعه خود را در آن آینه ببینند.»

دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در ولایت کندز نشست را با عنوان «جلسه استماع عامه تحقیق ملی زنان، صلح و امنیت» برگزار کرد.

به برنامه آقای سید حفیظ‌الله فطرت رییس دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر در ولایت کندز گفت که صلح و امنیت در زنده‌گی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی انسان‌ها دو پدیده لازم و ملزوم یکدیگر است که اگر این دو پدیده باهم متفقن موجود نباشد، یقینن جوامع انسانی با مشکلات عدیده و مختلف مواجه می‌شود.

او افزود که پیشرفت زنده‌گی انسان‌ها با تحقق ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، مدنی و سیاسی و همه فعالیت‌هایی که از لحاظ انسانی در جامعه ضرورت است بسته‌گی به صلح و امنیت دارد تا در فضای آرامش، صلح و امنیت به اهداف انسانی خود برسیم و زنده‌گی ما ابرومندانه، به اساس قوانین، ارزش‌های فرهنگی و ارزش‌های حقوق‌بشری شکل بگیرد.

به گفته‌ی او در شرایط فعالی کشور باید تلاش و اقدامات بیش‌تر صورت بگیرد و اراده‌ی لازم سیاسی از سوی دولت، جامعه جهانی و شهروندان افغانستان باید موجود باشد تا زمینه مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مدنی در جامعه ما فراهم یکنند.

در همین حال، عبدالجبار نعیمی، والی کندز گفت که دوام جنگ، حتا بسیاری از استعداد‌های افغانستان را به یک حالت ناگوار روحی و روانی مبتلا می‌سازد. وی افزود که منفعت جنگ کنونی در افغانستان به هیچ

و تکنولوژی جدید توان فریب‌ناک‌ترین انسان‌ها را پیدا نموده و مارا با توطئه و شگردهای زیاد فریب می‌دهد. دست‌رسی به چنین فن‌آوری در واقع تسلط بر روش‌های ترویج افکار و اندیشه‌های جدیدی است که می‌تواند بر ما تا ابد حکومت کند. هر که مالکیت بر زیرساخت ماشین مجازی داشته باشد از قدرت و خلاقیت کامل بر خوردار می‌شود.

اگر طرح اتهامات جنسی علیه اطرافیان اشرف غنی به ترویج سیستماتیک «فحشا» در ارگ با چنین ابزار و برنامه‌های جعل‌سازی تصویری و صوتی مجازی مستندسازی و تقویت گردد، بزرگ‌ترین تأثیر و ضربه‌ی روانی و تبلیغاتی علیه چه کسی خواهد داشت؟ مسلمان زنان شاغلی که در دستگاه‌های دولتی و مراکز رسمی در حال کار هستند آسیب می‌بینند.

در این شکی نیست که در ارگ عده‌ی با داد و ستد جنسی به نان و نوا رسیده‌اند، اما نمی‌توان این امر را تعمیم داد. با آن‌هم با توجه به موقعیت شکننده‌گی زنان در گورداد این تبلیغات، آن‌ها شاخص‌ترین قربانی‌های این معرکه می‌باشند و از نظر روحی و روانی با تأثیرات جدی روبه‌رو می‌شوند. آنگاه که این گونه اتهامات رابطه تنگاتنگ با روابطه جنسی پیدا می‌کند، زنان محکومان اصلی تلقی می‌شوند و بدون طی کردن روند پروسه حقوقی و اثبات آن در دادگاه‌های مشروع، به محکمه صحرایی تفکر مذهبی/طلبانی محکوم می‌گردند. این داد و ستدها، نگاه مردم را به سمت حذف زنان از جامعه سوق داده سدی برای پیش‌رفت و حق برابری آن‌ها می‌گردد. زیرا ذهنیت عام جامعه دنبال گناه کار جنسی می‌گردد و یقینن زنان مناسب‌ترین قربانیان این حوضه کثیف سیاسی می‌شوند. چنان‌چه حتا سخن از موجودیت فیلم‌های جنسی در رسانه‌های اجتماعی مانند فیسبوک نیز در این رابطه به میان آمده است. حالا تصور کنید اگر این طالبان و مدافعان تفکر طلبانی از چنین تکنیکی برای بی‌اعتباری زنان و راندن آن‌ها به خانه استفاده گردد، این همان چیزی است که سلویا فدریچی آن‌را تکنیک شکار ساحره‌ها در عصر مدرن می‌نامد.

البته اتهامات جنسی‌سازی فساد زمانی که در سطح اتهام است پیش‌داوری‌های ادامه در صفحه ۲ ...

جعل یا تقلب عمیق، امروز نسبت به هر زمان دیگر به راحتی مشکل ما را رفع می‌نماید. این الگوریتمی تازه‌ی را که توسط دانش‌مندان درست شده است را می‌توان با یک عکس آموزش داد و از آن جهت تقلب و ایجاد تغییرات در چهره و صدای قربانی ایجاد نموده و برای بدنامی و در هم کوبیدن مخالفین آن را مورد بهره‌برداری قرار داد. برای تولید فریب و تقلب متقاعد کننده و موضوع جعلی که به واسطه‌ی **GAN – generative adversarial network** ساخته می‌شود. این تکنیک حدود ۵ سال پیش توسط دانش‌مندان دانشگاه ماتریال در کانادا ساخته شده است. فدریک هینز پروفیسور کامپیوتر در دانشگاه لیندشاپینگ سویدن می‌گوید که در این جا سخن از پیش‌رفت تکنولوژی‌ای هست که به کمک آن می‌توان به تولید عکس پرداخت.

موت‌های خود راننده با الگوریتم GAN آموزش می‌بینند
در این موت‌ها اطلاعات آموزشی برای سیستم‌ها هوش مصنوعی ایجاد می‌کنند. برای مثال، در خودروهایی خود راننده‌گی، الگوریتم برای تشخیص اشیا و موقعیت‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. پس از آن سیستم باید با نمونه برداری‌های زیادی از عکس‌هایی که افراد، دوچرخه، کالسکه و دیگر مواردی را که ممکن است در جاده‌ها و جاده‌ها ظاهر شوند، آموزش داده شود. با **GAN**، می‌توان مقدار زیادی از داده‌های آموزشی تولید کرد که در بعضی موارد ممکن است دشوار باشد. استفاده از روش‌های دیگر مانند تصاویر ممکن است باعث تصادفات و سایل نقلیه و موت‌ر شود.

ما در دنیای بغرنج مجازی زنده‌گی می‌کنیم که هر روز ما را شکفت زده می‌کند. مرز میان واقعیت و مجاز در حد ویران‌گری فروکش کرده

پدیده‌ی جعل عمیق در دنیای مجازی «deepfake»

انگاری مردم و عدم دانش انتقادی نسبت به منابع؛ روابط احساسی، عاطفی و روابط سیاسی خیلی‌ها را به هم هم خواهد زد و آثار مخرب اجتماعی میان افراد جامعه را بیش‌تر خواهد کرد. از آن‌جای که تابوهای جنسی اهمیت اساسی در جامعه افغانستان دارد، زنان که در تصور اجتماع عاطفی و خیانت‌کار نسبت به همسر و دیگر مسایل سنتی محسوب می‌شوند به شدت از این ناحیه آسیب می‌بینند.

هوش مصنوعی، چهره‌های جعلی و صدایی که وجود ندارد

صنعت فیلم و بازی به مدت طولانی با جلوه‌های ویژه کار کرده است. به طور نمونه، قرار دادن یک چهره بازی‌گر در بدن دیگری. اگر چند، این کار سخت و وقت‌گیر است تا تصاویر را با هم بچ کنید، اما با تشکر از الگوریتم جدید همه‌ی این کارها را می‌توان به ساده‌گی و آسانی از طریق کامپیوتر انجام داد. به کمک هوش مصنوعی، جای‌گزین چهره‌ها در فیلم‌ها آسان‌تر شده است. همه چیز مورد نیاز را بادست‌رسی به یک برنامه می‌توان حل نمود. این فن‌آوری می‌تواند ابزار موثری برای ایجاد خیر دروغ نیز باشد.

هوش مصنوعی فیک اپ یک برنامه جدید است که برای جای‌گزین افراد در یک ویدیو استفاده می‌شود. در اینترنت، نمونه‌های متعددی از کلیپ‌های فیلم وجود دارد که بازی‌گر نیکلاس کیج جای‌گزین نقش اصلی آن است. این برنامه نشان می‌دهد که چطور آسان است تا فیلم را دست‌کاری کنید.

برای ایجاد یک فیلم جعلی، فیلم اصلی و تصاویر زیادی از فردی که قرار است در آن قرار گیرد، نیاز است. با استفاده از آموزش عمیق، یک تکنولوژی قدرت‌مند چهره جدید با الگوریتم فیلم‌سازی دارد. پژوهش‌های تازه نشان می‌دهد که «deepfake»

جددگیسو
کے باران سجادی

از کتاب سنگ باران

امشب به طرز بی‌رحمانه‌ای زن هستم
دست‌هایت غایب اند
تاشانه‌های افسرده‌ام را بهبود بخشند
لب‌های بوسه‌خواهم در غبار به حراج می‌روند
و کسانی که از بند دل فاحشه‌ام می‌خوانند
پرواز می‌کنم
در قرن‌ها جهالت!!!
هنوز خرید و فروش می‌شوم هنوز زنده به گور
می‌شوم
می‌خواهم زنانه‌گی‌ام را انکار کنم زیر روح
بیابانی که بکارتم را برداشته بود
حالا همه قلب‌هایم به تحسن می‌روند
دست‌هایم رادو تکه می‌کنم
و دامن سبزم که از انتظاری پوچ لبریز است
ای مرزهای روشن شکاک!
ای جامه‌های خامک دوزی شده!
چشم‌هایم را به من باز پس دهید ...

ترجمه
■ زلمی کاوه

به بهانه اتهام داد و ستد جنسی در ارگ ریاست جمهوری
فرض کنید مانند هر انسانی که در کره زمین به اینترنت دست‌رسی دارد دنبال عکس مجانی و یا ویدیو می‌گردید و ناگهان با عکس و یا ویدیویی از خودتان روبه‌رو می‌شوید. تصور کنید کسی تمام عکس‌های شما را از فیسبوک‌تان دزدیده، آن‌ها را با عکس لخت و هر چه که خواسته‌اند ترکیب نموده و ویدیو کلیپی با کیفیتی را که با نسخه اصلی‌اش هیچ تفاوتی ندارد ساخته و روی اینترنت تکثیر نموده. چنین تکنیکی اکنون وجود دارد و شرکت سامسونگ قصد دارد آن را همه‌گانی سازد. با در دست داشتن چنین امکانی خیلی‌ها به صورت غیرمجاز و قانونی از چنین تکنیکی بهره خواهند گرفت. جنایت‌کاران و دشمنان شما امکانات خوبی را برای زیر فشار قرار دادن شما در دسترس خواهند داشت. فعالان سیاسی، مخالفین دولت‌ها، انسان‌های مخالف جریان، سیاست‌مداران، شخصیت‌های مشهور و حتا انسان‌های عادی مورد آماج قرار خواهند گرفت. به خصوص در کشورهای مانند افغانستان که در آن نه قوانین مدرن حمایت از حریم خصوصی شهروندان وجود دارد و نه کسی به این روابط احترام می‌گذارد. افزون بر آن در افغانستان روابط تابویی‌ای که جامعه نسبت به آن حساسیت نشان می‌دهد اسباب مناسبی برای بدنام کردن مخالفین سیاسی، فعالان چپ، فمینیست‌ها و... منابع درآمد خوبی خواهد شد برای جنایت‌کاران و گروه‌های مافیایی که از این تکنیک استفاده می‌کنند. ساده